



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در سیر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

ادامه اشکانیان (پارتیان) - فرهاد دوم - اردوان اول
فرهاد دوم (اشک هفتم)

در سال ۱۳۸ ق.م پس از درگذشت مهرداد یکم پسرش فرهاد دوم به تخت سلطنت جلوس کرد. «یوستی کتاب چهل و سوم، ۱۰۱» دوران فرمانروایی او را شپیمن ۱۳۸ تا ۱۲۸ ق.م ذکر می کند. «۱۳۸۶:۶۳» «ایرانیکا»

در زمان مرگ پدر او به سن قانونی نرسیده بود لذا با کمک و یاری مادر خود «رینو» که عنوان نایب السلطنه را داشت حکومت کرد. نام رینو نیز در گل نوشته های بابلی ذکر شده است.

فرهاد دوم پادشاهی ناتوان و نالایق بود و گفته می شد که در آن عصر حکومتش از دو جبهه مورد تعرض و تهدید قرار گرفت. جبهه اول اقوام صحرائشینی که در شمال شرق آسیای مرکزی مستقر بود و جبهه دوم حکومت بابل.

علاوه بر آن آنتیوخوس هفتم «سیداتس» که برادر دمتریوس دوم نیز بوده و سرزمین های سوریه نیز در اختیارش قرار داشت از مشکلات و خطرهایی بود که فرهاد دوم را تهدید می کرد.

آنتیوخوس به بهانه آزاد کردن برادر خود در سال های ۱۳۰ و ۱۲۹ ق.م به سرزمین های پارت لشکر کشید و طی سه یورش آنجا را به تصرف درآورد. آنتیوخوس هم از جنگجویانی قدرتمند و هم از استحکامات شهرک های یونانی بهره می برد. باتوجه به این شرایط با اهمیت او توانست ماد و بابل را نیز به متصرفات خود بیفزاید.

فرهاد درخواست صلح کرد لیکن آنتیوخوس شرایط سختی را در مقابل او گذاشت یکی اینکه فرهاد دست نشانده دولت سلوکیان باشد و به سرزمین های گذشته پارتی عقب نشینی کرده و خراج بسیار سنگین و آزادی برادرش دمتریوس را به او پیشنهاد نمود.

این شرایط از سوی فرهاد پذیرفته نشد و سرانجام تصمیم گرفت مردم ماد را علیه سلوکیان به شورش دعوت کند که این تفکر او از سوی مادها با استقبال روبرو شد.

سپاه آنتیوخوس نیز با کمبود آذوقه روبرو گردید و سپاه به دو قسمت تقسیم شد که یک قسمت آن جهت تامین آذوقه به سوی شمال رفت. فرهاد طبق نقشه دقیق حمله ای را علیه آنتیوخوس

طراحی کرده و بر او هجوم برد. در این نبرد سلوکیان شکست سنگینی متحمل شد و آنتیوخوس نیز در این نبرد کشته شد و مجدداً ماد و بابل به تصرف اشکانیان درآمد «زرین کوب ۱۳۷۷: ۳۲۴، دبوواز ۱۹۶۸: ۲۹-۳۱، ولسکی ۹۸۱۳۸۳: شپیمن ۱۳۸۶: ۲۷»

سپس فرهاد به طرح نقشه ای جهت تصرف سوریه پرداخت به همین منظور دمتریوس را همراه سپاه پارت به منطقه گسیل داشت اما طرح او توفیقی نیافت و فرهاد که با نگرانی تازه از سوی قبایل آسیای مرکزی روبرو شده بود به اجبار به سوی شرق روانه شد.

قبل از حرکت یکی از سرداران خود را که هیمروس نام داشت به حکومت بابل گمارد. هیمروس نیز تمامی افرادی را که با آنتیوخوس پیمان دوستی بسته و به فرهاد خیانت کرده بودند به اهالی ماد بعنوان برده فروخت «دبوواز ۱۹۶۸: ۳۵- ولسکی ۱۳۸۳: ۹۹»

در متون تاریخی آمده است که فرهاد، شاهی بدقول بوده است زیرا پس از شکست با سلوکیان سپاه آنها را تحت فرمان خویش به صورت مزدور درآورده لیکن

ابریشم ابتدا در چین به وجود آمد و دو هزار سال چینی‌ها روش تولید آن را از دنیا مخفی نگه داشتند و ایران یکی از خریداران این لیف با ارزش بود اما یک شاهزاده ایرانی از فرصت استثنایی استفاده کرد و ابریشم را با جاسازی در عصای خود به ایران آورد

به آنها دستمزدی پرداخت نکرد و آنها سر به شورش برداشته و به میانرودان آمدند. در سال ۱۲۸ ق.م همین اتفاق در جنگ با سکاها روی داد و زمانی که مزدوران یونانی طرفداری سکاها را نمودند، فرهاد در میدان نبرد کشته شد.

در این موقع یکی از سکاها به نام «یوئه چی» در سال ۱۳۵ تا ۱۳۰ ق.م به حکومت باختر یورش برد و این سرزمین‌ها را اشغال نمود.

اردوان یکم پسر فرهاد نیز نتوانست از این امر جلوگیری کند. پس از این جریانات پسر آنتیوخوس به نام «سلوکوس» به جای پدر پادشاه گردید. اما او نیز کاری از پیش نبرده حتی دمتریوس که از اسارت رهایی یافته، نیز نتوانست اقدام مهمی انجام دهد و چندی بعد کشته شد. «شپیمن ۱۳۸۶: ۴، ۶۳- زرین کوب ۱۳۷۷: ۳۳۵- ولسکی ۱۳۸۳: ۱۰۱»

در سال ۱۲۸-۱۲۷ ق.م در جنگی که لشگر سکاها با سپاه یونانی فرهاد انجام داد فرهاد دوم به قتل رسید «زرین کوب ۱۳۷۷: ۳۳۶- دیبواز ۱۹۶۸: ۲۷»

تجارت و صنعت ایران در دولت پارت

به گفته فیلوسترانوس: «در سرحد، گمرکخانه‌ای بود که امتعه وارداتی و صادراتی را ثبت می‌کردند. نه تنها آمد و رفت بازرگانان بلکه ورود اشخاص را نیز گزارش می‌دادند.

منسوجات گوناگون، ادویه، قالی و قالیچه و پارچه‌های ابریشمی مخصوص بانوان به کشور روم صادر می‌شد. به گفته پلین قالیچه‌های ایران در روم به قیمت‌گران به فروش می‌رسید و زینت‌بخش قصرهای رومی بود. مصنوعات و آثار هنری رومیان نیز در ایران خریدار داشت.

در منابع چینی نیز در یک مورد اشاره به روابط سیاسی

و اقتصادی بین ایران و چین شده است. مدارک تاریخی نشان می‌دهد که پارتیان اصرار و علاقه فراوان داشتند که واسطه تجارت بین شرق و غرب باشند و این موقعیت اقتصادی را از کف ندهند.

ریچارد فرای، ضمن بحث از اوضاع اقتصادی عصر اشکانی، می‌نویسد: «سکه‌های چهار دراهمی که در دوران سلوکی، بویژه در قلمرو یونانیان باختری، خواهان بسیار داشت در سده اول پیش از میلاد ارزش آن از یک دراهم آن روزگار هم کمتر شده بود. بهای کالا همچنان رو به افزایش بود تا آنکه در پایان فرمانروایی پارتیان اوضاع اقتصادی رو به تباهی گذاشت.

در باب صنعت پارتیان، مطلب اندکی می‌توان گفت و آن هم در مورد پارچه‌های ابریشمی و قالیچه است که در بالا ذکر شد. تجارت ابریشم با چین در این زمان بسط یافت و لباس شاهزادگان و نجبا از پارچه‌های اعلاء و الوان حریر و ابریشم بود.

منسوجات ابریشمی

ابریشم ابتدا در چین به وجود آمد و دو هزار سال چینی‌ها روش تولید آن را از دنیا مخفی نگه داشتند و ایران یکی از خریداران این لیف با ارزش بود اما یک شاهزاده ایرانی از فرصت استثنایی استفاده کرد و ابریشم را با جاسازی در عصای خود به ایران آورد. چون چینی‌ها تمام وسایل کسانی که از چین خارج می‌شدند را تفتیش نموده و از خروج تخم ابریشم جلوگیری می‌کردند.

به این ترتیب ایران توانست تولیدکننده ابریشم در دنیا شود و گوی سبقت را از چینی‌ها برآید. با این که ابریشم به ایران وارد و سپس تبدیل به پارچه می‌شد اما سالیان متمادی چینی‌ها افتخار می‌کردند که پارچه و لباس تولیدی ایران را بر تن دارند و به آن می‌بالیدند، چون طرح‌هایی که ایرانیان روی پارچه به کار می‌بردند بسیار زیبا و کم‌نظیر بود ضمن این که در مقابل نور آفتاب، ریختن سرکه و ... تغییر رنگ نمی‌داد.

بافتن پارچه‌های ابریشمی که از زمان اشکانیان در ایران آغاز شد به تمام دنیا به خصوص چین صادر

می‌شد و یونانیان و رومی‌ها خریداران این نوع منسوجات بودند.

سیاست اقتصادی اشکانیان

سیاست اقتصادی اشکانیان در ابتدای کار چندان روشن نیست. ما می‌دانیم که این طایفه در اوایل سلطنت خود به صنعت و تجارت چندان اعتنایی نداشتند زیرا در حدود شرقی و بسیار دورتر از مرکز شاهنشاهی می‌زیستند و از جمله طوایف نیمه متمدن محسوب می‌شدند؛ به همین دلیل پس از صعود به رتبه شهریاری از آداب جهاننداری به جز جنگیدن و فتح کردن به چیز دیگری توجه نمی‌کردند اما بعدها این وضع تغییر کرد و از دوره اشک ششم (مهرداد اول) جهاننداری را به جهانگیری پیوند دادند.

طبق مدارک موجود دولت اشکانی، سیاست مثبت و روشنی در اقتصاد و تجارت مدنظر قرار دادند.

برای مثال در حدود مملکت اشکانیان دفاتر منظم گمرکی موجود بود و مخصوصاً از امتعه و محصولات داخلی که صادر می‌شد، عوارض و حقوق گمرکی نمی‌گرفتند

به شهادت بسیاری از مستشرقین غربی، نکته مسلم این است که تجار تبعه اشکانی با ممالک روم، تجارت گسترده‌ای داشتند پس می‌توان نتیجه گرفت که اشکانیان نسبت به تجارت و تشویق تجار و سیاست‌های حمایتی از آنان، بی‌تفاوت نبودند.

شاهد دیگری که علاقه دولت اشکانی را به تجارت آشکار می‌دارد، مکتوب کاراکالوس -امپراتور روم-



تصویر شماره یک- بشقاب نقره زر کوب عهد اشکانیان

چینی‌ها افتخار می‌کردند که پارچه و لباس تولیدی ایران را بر تن دارند و به آن می‌بالیدند، چون طرح‌هایی که ایرانیان روی پارچه به کار می‌بردند بسیار زیبا و کم‌نظیر بود ضمن این که در مقابل نور آفتاب و ... تغییر رنگ نمی‌داد

شخصی نیز روی چهارپایه‌ای نشسته که صورتش به کلی از بین رفته و فقط شکل مغ سالم مانده است و لباس روحانیون پارت را نشان می‌دهد. این اولین بار است که مردی با لباس روحانی در کتیبه‌های ایران یافت می‌شود.

لباس روحانیون دوره اشکانی (مغ‌ها)

کلاه: کلاه مخروطی و در اطراف دارای شیار و در دست شبیه کلاه دراویش امروزی است. موهای مجعد از زیر آن پیداست. این نوع کلاه را پیش از این ندیده‌ایم و کاملاً تازگی دارد.

لباس: پوشش وی از پیراهن، قبا و شلوار تشکیل شده است.

پیراهن بلند است و تازیر زانو می‌رسد، در قسمت کمر چین می‌خورد و یقه آن کاملاً بسته است. خوشبختانه یک آستین آن پیداست و نشان می‌دهد که دارای چین‌های افقی و عمودی است.

قبا نیز راسته و جلو باز است و از پارچه ضخیم‌تری دوخته شده است و هیچ‌گونه چینی در آن دیده نمی‌شود.

آستین آن ساده، چسبان و بلند است به طوری که روی مچ دست را کاملاً می‌پوشاند.

شلوار دو قسمت دارد. یک شلوار ضخیم که در قسمت مچ پا بسته می‌شود و دیگری شلوار چین دار کوتاه که روی آن پوشیده می‌شود و تازیر زانو می‌رسد.

کفش: کفش ساده، نوک باریک و بدون بند است. جامه مغ‌ها بند، چین دار و سفید بوده است و این رسم در میان روحانیون زرتشتی تا امروز باقی مانده است. البته جامه سفید را تنها هنگام انجام مراسم مذهبی می‌پوشیدند و در مواقع دیگر، تفاوتی با پوشش دیگران نداشتند.

از جمله پارچه‌هایی که از ایران به روم صادر می‌شد، قالی و قالیچه بود.

پارچه‌های ابریشمی نیز کالای مخصوص ایران بود که در روم، آفریقای شمالی و ... به قیمت گزاف فروخته می‌شد.

لباس اشک اول به طوری که در مسکوکات دیده می‌شود، به این ترتیب است: «خودی مخروطی شکل شبیه به خودهای آشوری بر سر داشته که دنباله یا آویز از اطراف آن برای حفاظت گوش و گردن آویخته است.

نیم تاجی یونانی بر آن بسته و گوشواره‌هایی به گوش و گردن بند ساده بر گردن دارد. زرهی در بر مشتمل بر پولک‌ها و یا حلقه‌ها که بازوها را تا بند دست و پاها را تا قوزک می‌پوشاند و روی آن عبا یا جبه نظامی پوشیده، کفش‌ها را با بند به ساق می‌بست اما پادشاهان بعدها این لباس را کار گذاشتند و فقط جامه نرم و عبایی روی آن می‌پوشیدند.

حجاری‌هایی در تنگ ساولک در کوه‌های بختیاری که بارون دویه در سال ۱۸۴۱م کشف کرد که برخی از باستان‌شناسان آن را به دوران اشکانی نسبت داده‌اند. در این حجاری‌ها، یک ملکه اشکانی را در میان سه نفر نیزه به دست نشان می‌دهد و مغی نیز مشغول عبادت است.

این مجلس نشان می‌دهد که شاه به شکار رفته و ملکه نگران است و مغ برای سلامتی شاه دعا می‌خواند، حدود پانزده نفر دیگر هم در صف و پشت سر هم ایستاده‌اند.

است که برای خواستگاری دختر اردوان پنجم شاه اشکانی در ضمن مواعیدی که داده و محسناتی که مطابق مذاق شاهنشاه می‌شمارد، می‌نویسد: «... پس از انجام این امر دیگر امتعه و اقمشه و ادویه خاک اشکانی را ناگزیر نخواهند بود که پنهانی به خاک و وارد کنند یا فلزات روی را به طور گریزی (قاچاق) به آن جا صادر نمایند و تجارت آزادانه فی ما بین صورت خواهد گرفت...» از این جمله چنین بر می‌آید که دولت اشکانی خواستار توسعه تجارت بوده و اگر برای ادامه روابط تجاری، مانع‌تراشی می‌شد از جانب روم بوده است.

آداب تجاری و حدود آزادی تجارت

در عهد اشکانیان، تجارت بر مبنای مبادلات جنسی و خرید و فروش هر دو گونه بود. چون پول و مسکوکات در همه‌جا فزونی داشت، نرخ اجناس با مسکوک معین می‌شد.

در این دوره شواهدی داریم که صاحبان اموال، متاع خود را توسط شرکای خود به ممالک یا ولایات دیگر می‌فرستادند و یا به غلامان امین خود می‌سپردند. در هر کاروان یک قافله سالار حضور داشت که غالباً تمام تجار و صاحبان اموال به او اعتماد داشتند. در اکثر شهرها، بازارها و میدان‌هایی برای معاملات موجود بود.

همچنین در هر ولایت، قصبه یا ده و محله‌ای، سوداگران در یکی از ایام هفته به عرضه محصولات خود می‌پرداختند مانند جمعه‌بازارهای امروز ...



تصویر شماره دو- اشک دوم